
پاکستان

طالبان، القاعدہ و ظہورِ تروریسم

نویسنده:

ویلیام جی تاپیش

مترجم:

امیر حسین کلاہچی



انتشارات لوح فکر
تہران ۱۴۰۱

این اثر ترجمه‌ای است از:

**PAKISTAN, THE TALIBAN, AL QAEDA,
& THE RISE OF TERRORISM**
PRAEGER SECURITY INTERNATIONAL (2018)
By WILLIAM J. TOPICH

www.ketab.ir

فهرست نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: تاپیچ، ویلیام ج. / Topich, William J. / عنوان و نام پدیدآور: پاکستان، طالبان، القاعده و ظهور تروریسم / نویسنده ویلیام جی تاپیش؛ مترجم امیرحسین کلاهچی. / مشخصات نشر: تهران: لوح فکر، ۱۴۰۰. / مشخصات ظاهری: ۲۱۶ص. / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸۵۸-۹ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا / یادداشت: عنوان اصلی: Pakistan: the Taliban, al Qaeda, and the rise of terrorism, 2018. / موضوع: سازمان القاعده / موضوع: (Qaida (Organization / موضوع: تروریسم -- پاکستان / Pakistan -- Terrorism / رادیکالیسم -- پاکستان / Radicalism -- Pakistan / اسلام و سیاست -- پاکستان / Islam and politics / Pakistan -- Politics and government / سیاست و حکومت / Pakistan -- History / تاریخ / Pakistan -- شناسه افزوده: کلاهچی، امیرحسین، ۱۳۵۹-، مترجم / رده‌بندی کنگره: HV۶۴۳۳ / رده‌بندی دیویی: ۹۱۰۵۳/۹۵۴ / شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۲۷۶۳۵ / اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



پاکستان، طالبان، القاعدہ
وظہور تروریسم

ترمیم شدہ: ویلیام جی تاپیش

مترجم: میر حسن کلامچی

ویراستار: ہستی بیونیس

مدیر هنری و طرح جلد: یاسنا داوید

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: آرمانسا

چاپ اول: بہار ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخہ

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸۵۸-۹-۸

«تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است»

تلفن: ۶۶۴۱۶۴۱۴ (۰۲۱)، ۰۹۱۲۲۱۶۱۰۴۷ ایمیل: info@lfp.ir

نشانی: خ انقلاب، خ فخر رازی، کوچہ شہدای ژاندارمری، پلاک ۶۲، واحد ۴



WWW.LOHEFEKR.COM

فهرست مطالب

۹ تقدیر و تشکر

۱۰ مقدمه

فصل اول. توسعه پاکستان و مسئله تروریسم

۱۳ قومیت‌ها محرک و گرداننده پاکستان

۱۴ سیر تکاملی پاکستان

۱۸ تقسیم و استقلال

۱۹ کشمیر: مناقشه‌ای غیرقابل قبول

۲۹ طوفانی که پاکستان را دو بخش کرد

فصل دوم. تولد افراط‌گرایی: عوامل داخلی و خارجی

۳۱ تبعات شکست در جنگ: ظهور و سقوط بوتو و حزب مردم

۳۵ سیاست‌گذاری دینی و سقوط بوتو

۳۸ پاکستان نماینده‌ی جنگ سرد در لشگرکشی به افغانستان

۴۱ پایان حکومت استبدادی

۴۲ پاکستان در دوران پس از ضیاء: دموکراسی مشکل ساز

فصل سوم. پاکستان در دوران مشرف، سال‌های: ۱۹۹۹-۲۰۰۲

۵۰ نقش پاکستان در جنگ با تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر

۵۹ سه شنبه مقدس

۶۰	گرفتاری پاکستان
۷۰	فرصت‌های از دست رفته: «تورا بورا» و فراتر از آن
۷۸	جستجو برای القاعده در پاکستان
۸۰	روابط پاکستان و هند، ۱۱ سپتامبر و پس از آن

فصل چهارم. مناطق قبیله‌ای غیرقابل کنترل، مرکز اصلی تروریسم بعد از حملات ۱۱ سپتامبر

۸۵	قبایل پاکستان: تاریخ و اهمیت
۹۰	تاثیر مدارس دینی
۹۲	تغییرات فرهنگی در مناطق قبیله‌ای پاکستان
۹۵	منطقه قبایلی پاکستان: خطرناک‌ترین مکان پس از یازده سپتامبر
۱۰۵	غروب دوران مشرف و ظهور جامعه مدنی
۱۰۸	نقطه عطف: محاصره مسجد لعل
۱۱۱	ارتش باید سریع اقدام می‌کرد
۱۱۲	تشدید افراط‌گرایی، ماجرای مسجد لعل

فصل پنجم. طالبان‌سازی پاکستان

۱۱۴	ایدئولوژی طالبان پاکستان
۱۱۵	سوات: نظامی‌گری و گسترش طالبانیسم
۱۱۹	مرگ شورشیان در سوات
۱۲۰	حملات انتحاری و خشونت: دوره‌ی جدیدی از ظهور وحشت
۱۲۵	بازگشت بی‌نظیر
۱۳۱	مرگ یک نماد
۱۳۸	انتخابات سال ۲۰۰۸

فصل ششم. پاکستان در پرتگاه

۱۴۱	لشکر طیبه و حمله تروریستی در بمبئی
۱۴۳	حمله بمبئی: ۱۱ سپتامبر هند
۱۴۸	اوج‌گیری مبارزه با تروریسم: سیاست هواپیماهای بدون سرنشین در پاکستان
۱۵۴	اوباما و کمپین هواپیماهای بدون سرنشین

مشکل دامنه دار تروریسم در پاکستان سبب اخلال در برقراری صلح در منطقه و شرق آسیا شده و شرایط را پیچیده و گاه بحرانی کرده است. پاکستان به عنوان یکی از صاحبان تکنولوژی هسته ای، عامل نگرانی سیاست گذاران ایالات متحده و جهان است.

این کشور تازه تاسیس و نو پا، با نگاه ملی گرایانه افراطی و حضور پررنگ دین، برای جامعه بین الملل کشوری مکرر کشنده است. پاکستان با ترس از قدرت بزرگ هند و درک این موضوع که امکان مقابله با این کشور را ندارد به پیچیده تر شدن این وضعیت دامن زده است.

همچنین قبایل متخاصم با زبان ها و فرهنگ های مختلف، خارج از کنترل دولت مرکزی در مناطق هم مرز با افغانستان به مراکز اصلی تروریسم تبدیل شدند و این موضوع سبب شد تا تمامی طرف های درگیر در نبرد با تروریسم وارد این مناطق شوند. این نیروها از شرایط سخت و دشوار ایجاد صلح و آرامش در این مناطق آگاه بودند.

در تحولات منطقه ای که در نهایت منجر به تبدیل پاکستان به مرکز تروریسم جهانی شد، نقش ژنرال «ضیاء الحق» بسیار پررنگ و مهم بود. ژنرال ضیا در دوران صدارت و قدرت ده ساله اش، اسلام گرایان را ترویج کرد و بذر افراط گرایی را کاشت. همزمان شدن این موضوع با جنگ های نیابتی و چریکی علیه اشغال افغانستان توسط شوروی سبب بروز طوفان سهمگینی از هرج و مرج در افغانستان و نیز به وجود آمدن شکل فعلی تروریسم منطقه شد. در پی آن به دلیل فقدان قدرت مرکزی در افغانستان و ایجاد هرج و مرج، پدیده ی طالبان به وجود آمد. طالبان تحت تاثیر تندروهای وهابی و با اتصال به جوهره ی اندیشه های آنان و

البته با حمایت و برخورداری از سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) به ثبات و تحکیم رسید. همزمان با تبدیل طالبان از یک گروه اقلیت و شورشی به گروهی که حاکمیت افغانستان را در دست گرفت، پاکستان نیز مواضع سیاسی و موقعیت خود را در منطقه تثبیت و تحکیم کرد. بعد از حملات ۱۱ سپتامبر شرایط موازنه قدرت به کلی تغییر کرد و پاکستان به نقطه اتصال تلاش‌های جهانی برای مبارزه یکپارچه علیه تروریسم تبدیل شد. «پرویز مشرف»، رئیس جمهور وقت پاکستان، به حیاتی‌ترین مهره آمریکا برای برجیدن شبکه تروریستی القاعده و حذف رژیم طالبان در افغانستان تبدیل شد. هر چند حملات و اقدامات آمریکا در ابتدا موفقیت‌آمیز بود اما جنگ جویان افغانستانی با حملات گسترده به القاعده و حذف رژیم طالبان در افغانستان، منطقه‌ی امنی را در پاکستان ایجاد کردند.

تروریست‌ها در پاکستان، دو دسته شدند؛ گروهی برای ناشناس ماندن در محلات، مناطق پرجمعیت و شهرها ساکن شدند اما بیشتر آن‌ها در مناطق قبیله‌ای مانند وزیرستان سکونت کردند. در حقیقت طالبان در افغانستان از بین رفت و حکومت را از دست داد، اما در کویته‌ی پاکستان ریشه دواند. جنگ با طالبان و تروریسم با حمایت پاکستان به دلیل متعدد نگران‌کننده بود. ارتش و سرویس اطلاعاتی پاکستان با امکانات خود طالبان را به وجود آورده و پرورش داده بود. حال آمریکا از آن‌ها می‌خواست برای از بین بردن دست‌پرورده‌ی خود یاری‌اش کنند. بیشتر مقام‌های پاکستان، این امر را به نفع امنیت ملی خود نمی‌دانستند و هیچ‌گاه به طور جدی از این ایده استقبال نکردند.

همچنین حمله و اقدام علیه شورشیان و جنگجویان مسلح که پیوند نزدیک و عمیقی با قبیله و نژاد پشتون داشتند، می‌توانست باعث تزلزل و از بین رفتن اقتدار دولت پرویز مشرف شود. بر همین اساس حفظ و بقای عناصر طالبان اولویت بالایی برای سازمان اطلاعات پاکستان یا همان ISI تلقی می‌شد و علت آن را می‌توان در تقابل با هند دید، زیرا یک حکومت و دولت متعهد و وابسته به افغانستان برای مقابله با تهدید هند ضروری بود.

در دهه بعد، پاکستان بازی دوگانه‌ای برای تعادل بین درخواست‌های آمریکا برای از بین بردن طالبان و میل خود برای بقای طالبان انجام داد. در این سال‌ها آمریکا به همراه پاکستان عملیات فراوانی را برای از بین بردن تروریست‌ها انجام دادند اما سرویس‌های

اطلاعاتی پاکستان همیشه برای رهایی و مصون ماندن آن‌ها مخفیانه اطلاعات سری حملات را در اختیارشان می‌گذاشتند.

تا سال ۲۰۰۷، ناآرامی و درگیری‌ها در پاکستان شدت گرفت. در این سال‌ها رخدادهای مختلفی از جمله بازگشت پیروزمندانه «بی نظیر بوتو» و در اختیارگرفتن قدرت، ترور غم‌انگیز او، تلاش‌های جامعه مدنی، جنبش وکلا و محاصره مسجد سرخ اتفاق افتاده بود.

سرانجام، در ماه دسامبر، با اتحاد شورشیان گروه تروریستی مرگ تشکیل شد که به نام طالبان پاکستان یا TTP شناخته می‌شود. با این اقدام مشخص شد که دوران پرویز مشرف تمام شده است. بعد از انتقال قدرت به «آصف زرداری»، در زمین بازی تغییر محسوسی به وجود نیامد و تصمیم آمریکا برای از بین بردن جنگجویان در داخل پاکستان به تنش و درگیری در داخل حکومت انجامید. در مقابل جنگجویان هم با تشدید حملات انتحاری باعث افزایش درگیری‌ها شدند و به نظر می‌رسید پاکستان در آستانه شروع یک جنگ داخلی قرار گرفته است.

در منطقه «سوات» این هرج و مرج و درگیری بین افراط‌گرایان و نیروهای دولتی به شدت ادامه داشت. در سال ۲۰۱۱ و با کشته شدن «امامه بن لادن»، این درگیری‌ها به کمترین میزان رسید. با بمباران تصادفی سربازان پاکستانی در نزدیکی افغانستان همکاری مقام‌های پاکستانی با آمریکا در جنگ با تروریست‌ها به شدت کمرنگ شد. به نظر می‌رسید مبارزه با طالبان پاکستان نبردی بی‌پایان است و داعش در تلاش است تا هرج و مرج را گسترش دهد.

پاکستان به عنوان یک کشور هسته‌ای در یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان، از مراکز مهم مبارزه با تروریسم جهانی بود اما مسیر هموار و ساده نبود.